

جام جهانی به روایت ستاره‌های بهشت

گاهی به آسمان نگاه کن



فوتبال ایران از سال ۱۹۷۴ وارد گردونه انتخابی جام‌جهانی شده. پیش از آن هیچ‌گاه سودای جام جهان‌نما را نداشتیم و برای حضور در این ویترین جذاب تلاشی نکردیم. در این مسیر طولانی فوتبال ایران به جز دو دوره متوالی جام جهانی ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶ که بواسطه حوادث انقلاب و سپس جنگ تحمیلی در این عرصه غیبت داشت، همیشه پای ثابت مسابقات انتخابی بوده و در این مسیر گاهی ناکامی را تجربه کرده و البته ۵ بار رستگار شده و به جام جهانی رسیده. در این مسیر طول و دراز اما بسیاری از ستاره‌های ریز و درشت با پیراهن تیم ملی رویای جام جهانی را بازی کرده‌اند؛ برخی این رویا را تعبیر کرده و به جام جهان‌نما رسیده‌اند و رویای برخی دیگر کال مانده. از این جمع، حالا تعدادی به آسمان سفر کرده و تمامی خاطرات ریز و درشت را با خود به بهشت برده‌اند. روایت مسافران بهشتی مسیر جام جهانی نگاهی از دریچه تازه به جام جهان‌نما است؛ دریچه‌ای که رو به بهشت باز می‌شود.

ناصر حجازی

خوش‌پوش و خوش‌تیپ. تحصیلکرده و متفاوت. چهره همیشه معترض. عصیانگر. آواره در غربت. جدا افتاده. اصولگرا و کاریزماتیک. کاندیدای ریاست جمهوری. عقاب در شهر کلاغ‌ها. وداع در اوج.



ناصر حجازی یک سولوئیست بود. تک نوازی که همیشه عادت کرده بود همانند شماره پیراهنش باشد. یکه و تنها در میان فوج جمعیت. او که همیشه می خواست در همه زمینه‌ها شماره یک باشد؛ از فوتبال گرفته تا جامعه. ستاره‌ای که بواسطه قامت بلندش ورزش را با بسکتبال آغاز کرد اما دست سرنوشت و یک اتفاق ساده او را به فوتبال و قفس توری کشاند. حجازی با اعتماد مربی مؤلفی چون رایکوف در عنفوان جوانی و در شرایطی که دروازه تیم ملی در قرق دو غول بزرگ به نام‌های عزیز اصلی و فرامرز ظلی بود، درون دروازه تیم ملی قرار گرفت و این سرآغاز درخشش یک ابرستاره در فوتبال ایران بود. مردی که با پیراهن تاج همه جام‌های داخلی و خارجی را فتح کرد و با تیم ملی سر به آسمان سایید. دو قهرمانی جام ملت‌های آسیا ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ و یک قهرمان بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران. راهیابی به المپیک ۱۹۷۶ مونترال و سومی جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۰ و البته حضور در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین دستاوردهای رشک برانگیز حجازی در دوران با شکوه ملی اوست. مردی که بعد از انقلاب و در اوج پختگی ناگهان طرد شد؛ از تصویب قانون ۲۹ ساله در تیم ملی تا براحتی کنارش بگذارند تا عدم صدور رضایتنامه برای پیوستن به منچستریونایتد. آنچه سبب شد تا حجازی آواره غربت و بنگلادش شود و با محمدان دوباره نام خود را بر سر زبان‌ها بیندازد. سال‌ها بعد او به ایران آمد روی نیمکت تیم‌های بزرگ و کوچکی نشست؛ از ماشین‌سازی، ذوب‌آهن، استقلال رشت، استقلال اهواز، ابومسلم و نساجی گرفته تا سپاهان، استقلال و دی استرا اسلواکی. اما دریک بی مهری تاریخی او را در حسرت سرمربیگری تیم ملی گذاشتند تا بگوید: آن دنیا سرمربی تیم ملی می شوم.

حجازی سرانجام پس از ۲ سال مبارزه نابرابر با سرطان ریه در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۹۰، ساعت ۱۰:۵۵ صبح، در بیمارستان کسری در تهران درگذشت.

